

ناباکو، امنیت انرژی اروپا و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

دکتر محمدعلی حیدری^۱

رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فن‌آوری علمی ملت‌ها در گرو تأمین زیرساخت‌های متعددی است که انرژی شاهرگ این زیرساخت‌ها می‌باشد و چالش امنیت انرژی یکی از بزرگترین چالش‌ها برای همه قدرت‌های بزرگ و کوچک اقتصادی و سیاسی جهان است که در استراتژی‌های امنیت ملی کشورها در اولویت اول قرار دارد. در این راستا پروژه خط لوله گازی ناباکو با هدف افزایش امنیت و تأمین منابع انرژی اتحادیه اروپا از مسیرهای متنوع احداث خواهد شد. این پروژه در فازهای میان مدت و دراز مدت برای کاستن از وابستگی بیشتر اتحادیه اروپا به گاز روسیه، ذخایر گاز کشورهای حوزه دریای خزر، عراق، مصر، سوریه و ایران را از طریق ترکیه به اروپا انتقال خواهد داد. منافع و علایق متفاوت بازیگران درگیر در این پروژه مانند اتحادیه اروپا، آمریکا، روسیه، ایران، ترکیه و کشورهای حوزه دریای خزر باعث گردیده است که انباشتی از موضوعات متنوع در مورد آینده این پروژه مطرح گردد. با توجه به متقاضیان و خریداران متعدد گاز حوزه دریای خزر از جمله روسیه، چین، ایران، اتحادیه اروپا و ترکیه، تحقق این پروژه، رقابت بر سر منابع انرژی حوزه دریای خزر را وارد فاز جدیدی خواهد کرد و امنیت عرضه انرژی به اتحادیه اروپا افزایش خواهد یافت. اما دیگر بازیگران متقاضی انرژی از این منطقه تحت تاثیر آن قرار خواهند گرفت و رقابت در این حوزه وارد مراحل دیگری خواهد شد که قراردادهای جدید برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفت و گاز و احداث خطوط لوله جدید از جمله این تلاش‌ها و چالش‌ها خواهد بود و امکان ایجاد مسیرهای جدید و متنوع برای صادرات گاز حوزه دریای خزر را در پی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: امنیت انرژی، خطوط لوله، اتحادیه اروپا، آمریکا، روسیه، ترکیه،

حوزه دریای خزر و خط لوله ناباکو.

^۱. پژوهشگر در حوزه روابط بین الملل

مقدمه

امروزه تأمین امنیت انرژی با توجه به نقش حیاتی آن در استمرار توسعه سیاسی و اقتصادی کشورها، از جمله محورهای استراتژی‌های مدون کشورهای مختلف جهان می‌باشد. به طوری که امنیت انرژی در استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۰۲ آمریکا دارای جایگاه ویژه‌ای برای آینده سیاست خارجی این کشور می‌باشد. با توجه به اینکه ذخایر گاز و منابع انرژی فسیلی در مناطق خاصی از جهان تمرکز یافته است، ضرورت انتقال این منابع به بازارهای مصرف از جمله استراتژیک‌ترین مباحث موجود در سیاست خارجی عرضه کنندگان و مصرف کنندگان انرژی است. در همین راستا ژئوپولیتیک یا سیاست جغرافیایی اهمیتی بسزایی در مدیریت انتقال منابع دارد. بدون تردید یکی از متغیرهای موثر در شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها موقعیت جغرافیایی آن کشور و نحوه ارتباط آن با جهان خارج و همسایگان آن می‌باشد.

از سویی دیگر رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ویژه در موضوع خطوط لوله انتقال انرژی، منافع متفاوت و تقریباً متعارض با دیگر عرضه کنندگان و مصرف‌کننده‌گان انرژی را موجب می‌شود و علایق سیاسی را در ورای ملاحظات صرف اقتصادی تحمیل می‌کند زیرا بازیگران تاثیرگذار بر حسب میزان قدرت خویش تلاش دارند تحولات در حوزه انرژی را بر طبق علایق و منافع خویش شکل دهند. با توجه به بسته بودن حوزه دریای خزر به روی دریاهای آزاد، از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاکنون مسئله انتقال ذخایر انرژی منطقه به بازارهای مصرف یکی از مباحث استراتژیک جدی مورد توجه کشورها و همچنین تحلیل‌گران سیاست بین‌الملل و اقتصاد بین‌المللی بوده است.

این مقاله به دنبال تجزیه و تحلیل علایق و منافع بازیگران اصلی خط لوله گاز ناباکو که برای تنوع بخشیدن و افزایش امنیت عرضه انرژی به اروپا طراحی شده است، می‌باشد. روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا، ایران، ترکیه، چین و کشورهای حوزه دریای خزر و کشورهای مسیر ترانزیت شامل گرجستان، ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش که با گذر از این کشورها گاز این خط لوله به مرکز و غرب اروپا انتقال خواهد یافت، از جمله موارد مورد بررسی این مقاله خواهد بود. تعداد کشورها و بازیگران درگیر در این حوزه با خواسته‌ها و منافع تقریباً متفاوت و متعارض و همچنین دخالت فاکتورهای امنیتی و سیاسی پیچیدگی خاصی را به این پروژه بخشیده است. لذا سوال اصلی این مقاله عبارت است از اینکه جایگاه

پروژه ناباکو در تامین امنیت انرژی اتحادیه اروپا چیست؟ و سوال فرعی در ارتباط با علایق و منافع روسیه و آمریکا و ایران است که تا چه حدودی از طریق این پروژه تحت تاثیر قرار خواهد گرفت؟ و مفروض این تحقیق آن است که اروپا جهت رهایی از وابستگی شبه انحصاری به شرکت گاز پروم روسیه علاقمند به تنوع بخشی به منابع تامین انرژی خویش می‌باشد. همچنین تامین گاز از طریق واردات گاز مایع از کشورهای عمده دارنده گاز مانند قطر و غیره نیز در همین چارچوب معنی می‌یابد. در ارتباط با سوال فرعی، روسیه نگران کاهش نقش تأثیرگذار خویش در عرضه انرژی به اتحادیه اروپا است که از نظر کرملین پیدایش رقبای جدید به معنای کاهش قدرت چانه‌زنی روسیه در معادلات منطقه‌ای و جهانی است.

آمریکا علی‌رغم اینکه مستقیماً تحت تاثیر این پروژه نیست در جهت مهار نقش روسیه و ایران در تامین انرژی اروپا به شدت خواهان اجرای این پروژه است. ایران نیز به عنوان دومین کشور دارنده ذخایر گاز در جهان مورد توجه اتحادیه اروپا می‌باشد. اما نکته متضاد که در این میان وجود دارد، این است که گاز ایران منبع خوبی برای تامین منابع متنوع انرژی برای اروپا است و حتی آمریکا نیز برای جلوگیری از تثبیت موقعیت انحصاری گاز پروم در اروپا به طور طبیعی علاقمند انتقال گاز ایران به اروپا است اما اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی در حوزه‌های مختلف باعث شده است به طور عملی ایران در حاشیه این پروژه مطرح شود. هر چند کشورهای امضا کننده پروژه در ۲۳ تیر ماه ۱۳۸۸ در آنکارا اعلام کردند که در مرحله اول کشورهای ترانزیت کننده و مصرف کننده این پروژه آن را امضا کرده‌اند و در مراحل بعدی کشورهای دارنده ذخایر گاز مانند ایران به آن خواهند پیوست.

بررسی موردی علایق و منافع بازیگران پروژه ناباکو

۱) اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا برای تضمین امنیت انرژی مورد نیاز خود در آینده، از روش چندجانبه‌گرایی، همکاری در ایجاد ساختارهای بین‌المللی، همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه استفاده می‌کند. تدوین «پیمان منشور انرژی»^۱ و تشویق کشورها برای پیوستن

^۱. Energy Charter Treat (ECT)

به آن و ایجاد شرکتی برای احداث خط لوله جدید جهت انتقال گاز از منطقه دریای خزر به اتحادیه اروپا با مشارکت کشورهای مسیر پروژه ناباکو نمونه‌هایی از اجرای این سیاست می‌باشند. (نژاد حسینیان، ۱۳۸۸: ۱۰) افزایش فزاینده نیاز اتحادیه اروپا به انرژی و مشکلات ایجاد شده در روابط انرژی روسیه با اتحادیه در سال‌های اخیر، لزوم تنوع بخشی به منابع تأمین انرژی را مورد توجه تصمیم‌گیران قرار داده است. حضور پرنقش شرکت گاز پروم و فقدان قواعد بازارهای رقابتی در بازار انرژی روسیه تلاش برای احداث خطوط لوله گاز و نفت از منابع حوزه دریای خزر و کشورهای خاورمیانه را بیش از پیش ضروری ساخته است. در همین راستا پروژه خط لوله گازی ناباکو با مشارکت پنج کشور ترانزیت‌کننده ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش احداث خواهد شد. تنوع بخشیدن به منابع عرضه انرژی و کاهش نقش روسیه در بازارهای انرژی اروپا از سیاست‌های مورد تأکید اتحادیه اروپا است. در همین راستا یکی از تحولات مهم اقتصادی منطقه قفقاز جنوبی که آن هم با سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در ارتباط تنگاتنگ است، به بهره‌برداری رسیدن و افتتاح خط لوله گازی باکو - تفلیس - ارزروم^۱ در سال ۲۰۰۷ می‌باشد. این خط لوله گازی مسیر موازی با خط لوله نفتی باکو - تفلیس - جیحان قرار دارد و اولین خط لوله گازی است که گاز حوزه دریای خزر را از طریق گرجستان و ترکیه به بازار اروپا منتقل می‌کند. اهمیت این خط لوله برای اتحادیه اروپا از آن رو است که برای تنوع بخشیدن به عرضه انرژی به اروپا و همچنین ممانعت از شکل‌گیری هژمونی شرکت گاز پروم روسیه بر بازار گاز اروپا می‌تواند نقطه آغازی باشد.^۲ این خط لوله که ظرفیت آن ۷/۶ میلیارد مترمکعب در سال است در نیمه دوم سال ۲۰۰۷ به بهره‌برداری رسید که از نظر ریچارد پگ^۳ یکی از مقامات بریتیش پترولیوم (مجری پروژه مذکور) ظرفیت این خط لوله می‌تواند در فاز دوم تا بیست میلیارد مترمکعب در سال افزایش یابد. (www.eia.doe.gov)

تحول جدید دیگر برای تأمین انرژی اروپا خط لوله گازی ناباکو است که از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا پی‌گیری می‌شود که براساس آن قرار است گاز کشورهای

^۱. Baku - Tbilisi - Erzurum

^۲. لازم به یادآوری است شرکت ملی گاز الجزایر از طریق خط لوله‌ای از بستر دریای مدیترانه گاز مورد نیاز کشورهای جنوب اروپا مانند فرانسه و اسپانیا را تأمین می‌نماید.

^۳. Richard Pegge

آسیای مرکزی از زیر بستر دریای خزر و از طریق جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه به اروپا و غرب منتقل شود. معاون وزیر خارجه آمریکا مانتو بریزا^۱ به هنگام دیدار از جمهوری آذربایجان در اوایل ژوئن ۲۰۰۷ تأکید کرده بود، انتقال گاز طبیعی از ترکمنستان به بازارهای اروپایی از مسیر خط لوله ناباکو ۵۰٪ ارزان‌تر از مسیر پیشنهادی ترکمنستان - قزاقستان - روسیه به اروپا خواهد بود. او معتقد است تحقق پروژه مذکور باعث تنوع عرضه و کنترل قیمت‌ها خواهد شد و امنیت انرژی اروپا را افزایش خواهد داد و مانع انحصار روسیه بر بازار انرژی اتحادیه اروپا خواهد بود. اهمیت این خط لوله در رقابت قدرت‌های بزرگ از جمله اتحادیه اروپا برای دسترسی به منابع انرژی دریای خزر در سال ۲۰۰۷ با امضاء قرارداد انتقال گاز روسیه، ترکمنستان و قزاقستان از طریق خط لوله‌ای در امتداد دریای خزر به روسیه در ماه می ۲۰۰۷ از سوی پوتین، نظربایف و بردی محمداف مجدداً مورد تأکید قرار گرفت. هرچند بردی محمداف رئیس جمهور ترکمنستان یادآور شد امضا این توافقنامه باعث لغو شدن پروژه خط لوله ناباکو نخواهد شد، زیرا کشورهای آسیای مرکزی نیز دنبال تنوع خطوط لوله برای صادرات نفت و گاز و عدم وابستگی به یک کشور می‌باشند. به طور مشخص اتحادیه اروپا از اجرای این پروژه چهار هدف عمده را تعقیب می‌کند:

۱. افزایش امنیت انرژی و تأمین پایدار نیازهای انرژی اتحادیه

از جمله اهدافی است که این پروژه به دنبال تحقق آن است. از نظر اروپایی‌ها مناطق عرضه کننده انرژی‌های فسیلی و گاز از جمله کشورهای دارای نظام‌های نه چندان دمکراتیک و تاحدودی بی‌ثبات می‌باشد. در همین راستا سیاست‌های انرژی به گونه‌ای طراحی می‌شود که از منابع متعدد نیازهای اتحادیه تأمین گردد، از جمله بخش جنوب غرب اروپا از طریق الجزایر، بخشی از آن از طریق شمال و بواسطه منابع گازی کشور نروژ، همچنین از طریق خرید گاز مایع قطر و اندونزی و بخش قابل توجهی از آن از طریق روسیه تأمین می‌شود. پروژه ناباکو دنبال انتقال ذخایر گازی انرژی حوزه دریای خزر و در ادامه حتی عراق، مصر و ایران (منابع گاز جنوب ایران) از طریق جنوب شرق تا مرکز و غرب اروپا است.

^۱ Matthew Bryza

۲. حفظ محیط زیست، استانداردهای سخت‌گیرانه اتحادیه در راستای حفظ محیط زیست مصرف انرژی گازی را به عنوان سوختی پاک‌تر نسبت به سوخت‌های فسیلی مطرح نموده و باعث علاقه‌مندی و سرمایه‌گذاری بیشتر در استفاده از گاز جهت رفع نیازهای انرژی اتحادیه است. این پروژه نیز در راستای حفاظت از محیط زیست اتحادیه قرار می‌گیرد.

۳. کاهش نقش روسیه در تأثیرگذاری بر اتحادیه اروپا

چانه‌زنی‌های غیر متعارف روسیه در ژانویه هر سال نشان داده است که روس‌ها شریکی قابل اعتمادی برای اتحادیه در تأمین انرژی نمی‌باشند و بیشتر از آنکه به دنبال معامله‌های اقتصادی باشند در پی برآوردن اهداف امنیتی و سیاسی خویش و حتی رویای احیای سلطه روسیه به نحوی دیگر بر اروپای شرقی و مرکزی می‌باشند که این تحول اتحادیه را وادار کرده است که به فکر کاستن از نقش روسیه در بازار انرژی اروپا باشد. (Asbarez.com, 2009)

احداث خطوط انرژی جدید خارج از کنترل روسیه منطبق بر این خواست و علاقه اروپا است.

سیاست همسایگی اتحادیه اروپا که شامل تشویق اقتصاد آزاد، نظام‌های دمکراتیک چند حزبی و رعایت حقوق بشر در کشورهای همسایه اتحادیه اروپا است با افزایش نقش روسیه در تأمین انرژی این مناطق در تضاد قرار دارد و روسیه از ابزار انرژی برای پیشبرد علایق هژمونیک خویش در مناطق همجوار با اتحادیه بهره می‌برد، بنابراین کاستن از حجم وابستگی انرژی اتحادیه به روسیه، علاوه بر تنوع بخشی به منابع تأمین انرژی با علایق امنیتی و سیاسی اتحادیه در تطابق قرار دارد. هر چند در عرصه سیاستگذاری وابستگی متقابل میان طرفین در حوزه‌های مختلف به ویژه انرژی هنوز در سطح بالایی قرار دارد که آمارهای زیر گویای این واقعیت است: (گزارش راهبردی، شماره ۱۹۵)

- در سال ۲۰۰۷ حدود ۵۱/۵ درصد کل تجارت خارجی روسیه با اتحادیه اروپا بوده است.

- ۷۵ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه توسط اتحادیه اروپا صورت گرفته است.

- صادرات کالا از اتحادیه اروپا به روسیه در سال ۲۰۰۷، ۸۹ میلیارد یورو بوده است.

- واردات کالا از روسیه به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷، ۱۴۳/۵ میلیارد یورو بوده است.

- سرمایه‌گذاری مستقیم اتحادیه اروپا در روسیه در سال ۲۰۰۷، ۱۷ میلیارد یورو بوده است.

- اتحادیه اروپا در حال حاضر ۵۰ درصد انرژی مصرفی خود را وارد می‌کند که این میزان در سال ۲۰۳۰ به ۷۵ درصد خواهد رسید. در راس صادرکنندگان انرژی به اتحادیه اروپا روسیه قرار دارد.

- روسیه ۱۲/۳ درصد نفت و ۲۱/۳ درصد گاز جهان را تولید می‌کند.

- ۸۴/۴ درصد کل گاز روسیه به اتحادیه اروپا صادر می‌شود که ۲۶/۲ درصد کل

مصرف اتحادیه اروپا است.

- ۷۵ درصد کل درآمد روسیه از انرژی ارسالی به اتحادیه اروپا تامین می‌شود.

با توجه به این وابستگی اقتصادی گسترده طرفین به یکدیگر، به نظر هر گونه ایده‌ای در خصوص شروع جنگ سرد جدید دارای نگاهی عمیق به روابط طرفین نمی‌باشد، حداقل تا زمانی که وابستگی اروپا به انرژی روسیه باقی است و روسیه نیز به سرمایه‌گذاری غرب و همچنین صادرات نفت و گاز خود به عنوان منبع اصلی درآمد ملی خود وابسته است^۱ و طرفین مجبور به تداوم مناسبات سودمند متقابل می‌باشند.

۴. رقابتی کردن بازار انرژی و کاهش قیمت‌های انرژی

اتحادیه اروپا مقررات ویژه‌ای را برای آزادسازی بازار انرژی و رقابتی کردن فضای سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های فعال در این حوزه تدوین کرده است به نحوی که این فضای رقابتی و از بین رفتن انحصارات دولتی و غیر دولتی بتواند به افزایش سرمایه‌گذاری و بهره‌وری و کاهش قیمت‌ها در حوزه انرژی بی‌انجامد. اتحادیه حتی در مذاکرات با کشورهای عرضه‌کننده انرژی بر آزادی بازار انرژی و امکان سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی در حوزه‌های گازی کشورهای روسیه و حوزه دریای خزر و غیره تاکید دارد زیرا انحصارات دولتی و غیر دولتی

^۱. به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا در راستای کاهش وابستگی خود به روسیه که عمدتاً در حول بخش انرژی قرار دارد خط و مشی‌های جدی را دنبال خواهد کرد که شامل گرایش جدی اتحادیه اروپا به سمت تجدیدنظر در سیاست انرژی خود می‌باشد. در نشست سران اروپا، برای نخستین بار تمامی ۲۷ عضو موافقت کردند تا ضمن بازنگری در سیاست‌های انرژی خود تلاش نمایند در زمینه واردات نفت و گاز از روسیه حداقل وابستگی را داشته باشند. تقریباً می‌توان گفت پس از اقدام روسیه در قطع موقت صدور گاز به اوکراین و نفت به استونی، بحران گرجستان و تهدیدات مکرر مقامات روسی به استفاده از اهرم انرژی در تنظیم روابط خود با اتحادیه اروپا، بالاخره این اتحادیه خود را جهت بازنگری در استراتژی انرژی اروپایی آماده ساخته است. (Mcelroy, www.telegraph.co.uk)

هم در کشورهای عرضه کننده و هم مصرف کننده عملاً به انحراف از قیمت‌های واقعی و تحمیل دخالت‌های غیر بازاری و با اغراض سیاسی و امنیتی منجر می‌گردد که این مورد یکی از محورهای اصلی مذاکرات اتحادیه اروپا بر سر انرژی با روسیه نیز بوده است.

۲) آمریکا

آمریکا به عنوان قدرت هژمونیک جهان بعد از جنگ سرد به دنبال آن است که نفوذ خویش در اروپا را تداوم بخشد، هرچند تهدید شوروی سابق از بین رفته است و اروپا اکنون خود یکی از بازیگران عمده نظام بین‌المللی است، با این حال اشتراکات فرهنگی، سیاسی و هویتی بین اروپای غربی و آمریکا و حضور مشترک این کشورها در نهادهای یورو آتلانتیکی مانند ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا، جی هشت و غیره باعث شده است آمریکا برای حفظ امنیت اروپا و به ویژه امنیت انرژی آن حساسیت ویژه‌ای قائل شود. هژمون در تئوری ثبات مبتنی بر سیطره^۱ به دنبال تدوین رژیم‌های بین‌المللی در حوزه‌های مختلف روابط بین‌الملل مانند اقتصاد، انرژی، امنیت، نظام دریاها و غیره است، به نحوی که این قواعد در بردارنده بیشترین منافع برای قدرت هژمونیک است. در همین راستا تلاش آمریکا برای تأمین امنیت انرژی اروپا از طریق احداث خطوط لوله نفت و گاز از ذخایر عمده انرژی در حوزه دریای خزر و خلیج فارس و تلاش برای حفظ ثبات و امنیت در این حوزه‌ها و تنوع بخشی به منابع عرضه انرژی و جلوگیری از سلطه یک یا چند کشور بر منابع عرضه انرژی جهان از جمله علایق و منافع آمریکا در حوزه انرژی است. (Javadov, 2009)

حمایت جدی آمریکا از احداث پروژه ناباکو و تعیین نماینده ویژه آمریکا در امور دریای خزر و انرژی در این حوزه همگی گویای اهمیت است که آمریکا برای این پروژه قائل است. مورنینگ استار^۲ نماینده ویژه آمریکا در حوزه دریای خزر به طور متناوب با مقامات کشورهای حاشیه دریای خزر که دارنده ذخایر قابل توجه انرژی می‌باشند دیدار و مذاکره می‌نماید و بارها حمایت آمریکا را از اجرایی شدن این پروژه اعلام کرده است. این موضع آمریکا با سه کشور همسایه این منطقه یعنی روسیه، ایران و چین به نحوی در تقابل قرار می‌گیرد.

1. Hegemonic Stability

2. Morning Star

روسیه، ایران و چین سه کشوری هستند که به دلیل اختلاف با آمریکا در حوزه‌های مختلف، این کشور علاقمند است از تاثیرگذاری آنها بر خطوط انرژی در منطقه حوزه دریای خزر و خاورمیانه بکاهد. با توجه به اینکه روسیه و ایران خود از عرضه‌کنندگان انرژی هستند ولی هر دو کشور خواهان ایفای نقش در ترانزیت انرژی از حوزه دریای خزر می‌باشند. چین نیز به عنوان همسایه شرقی آسیای مرکزی با نیازهای در حال رشد انرژی خود خواهان احداث خطوط لوله نفت و گاز از کشورهای حوزه دریای خزر به سوی چین می‌باشد که این علایق و درخواست‌ها در رقابت با آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارد که خواهان انتقال ذخایر انرژی این منطقه به سوی غرب بدون عبور از ایران و روسیه می‌باشند. (UPI, 2009) در حقیقت آمریکا علاقمند است نقش آفرینی این سه کشور را در حوزه دریای خزر به ویژه در موضوع انرژی محدود نموده و نقش خود و متحدان خود را افزایش دهد، به ویژه از تأثیرگذاری ایران و روسیه بر کشورهای حوزه دریای خزر که باعث افزایش تعامل این کشورها با روسیه و ایران خواهد شد، جلوگیری نماید.

۳) روسیه

طی چند سال اخیر روسیه در پایان هر سال میلادی و شروع سال میلادی جدید با فشار بر مصرف‌کنندگان گاز در اروپای غربی و شرقی خواستار افزایش قیمت گاز صادراتی خود شده است. اما در شروع سال میلادی ۲۰۰۹ روسیه به بهانه عدم پرداخت بهای گاز وارداتی و عدم پذیرش افزایش قیمت گاز صادراتی از سوی اوکراین، صدور گاز از طریق خط لوله عبوری از اوکراین به سوی اروپای شرقی و غربی را به مدت چند هفته متوقف کرد و بحران بزرگی در حوزه انرژی برای کشورهای واردکننده گاز اروپایی ایجاد کرد و پس از مذاکرات و چانه‌های زنی‌های بسیار صدور گاز از سرگرفته شد.

نقش عمده شرکت گاز پروم روسیه در تأمین نیاز گاز مصرفی بسیاری از کشورهای اروپای شرقی و غربی موقعیت منحصر به فردی را برای تحمیل خواسته‌های خود به کشورهای عضو اتحادیه اروپا به این کشور بخشیده است. برای کاستن از نقش شبه انحصاری شرکت گاز پروم روسیه در بازار گاز اروپا و تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی اتحادیه اروپا خط لوله گاز ناباکو مطرح شده است. به طوری که در اجلاس کشورهای واردکننده، صادرکننده و ترانزیت‌کننده گاز طبیعی خط لوله ناباکو که در بهمن ماه ۱۳۸۷ (۲۸ ژانویه ۲۰۰۹) در شهر

بوداپست مجارستان برگزار شد شرکت کنندگان علی‌رغم اختلاف مواضع سعی کردند تا اتحاد، امیدواری و عزم خود را در خصوص این خط لوله نشان دهند. بحران گازی ابتدای سال ۲۰۰۹ میلادی بین روسیه و اوکراین، کشورهای اروپایی را بیش از پیش برای اجرای این خط لوله متحد و مصمم کرده است.

روسیه برای تداوم نفوذ خود در کشورهای حوزه دریای خزر خواستار ترانزیت ذخایر نفت و گاز این منطقه به اروپا از طریق خاک خویش است تا امکان چانه‌زنی بیشتری در معادلات بین‌المللی در مقابل آمریکا و اتحادیه اروپا را به دست آورد. به همین جهت روسیه اجرایی‌شدن طرح ناباکو را مثبت ارزیابی نمی‌کند و درخواست پیوستن به آن از سوی شرکای آن پروژه را نادیده گرفته است. (euro topics, 2009) حتی پیوستن احتمالی ایران در آینده به این پروژه با توجه به ذخایر عظیم گازی آن، ایران را به رقیب اصلی روسیه در بازار گاز اروپا تبدیل خواهد کرد که این تحول نیز خوشایند روسیه نیست. روسیه متقابلاً احداث خطوط جدید انتقال گاز به شرق، جنوب و شمال اروپا را مدنظر قرار داده است و هر نوع تلاش برای احداث خطوط انرژی خارج از کنترل روسیه را تلاش برای کاهش نقش روسیه در این حوزه می‌داند. روسیه در شمال اروپا از طریق دریای بالتیک به دنبال احداث خط لوله نورداستریم و در جنوب اروپا از طریق دریای سیاه به دنبال احداث خط لوله سوئاستریم می‌باشد. ضمن اینکه در دراز مدت در کنار روسیه، اتحادیه اروپا به گاز ایران نیز وابستگی پیدا خواهد کرد. اما آیا راه‌گزینی برای اتحادیه اروپا وجود دارد؟ البته منطقاً تأمین انرژی از چندین منبع بهتر از تأمین آن از یک منبع خواهد بود. بنابراین گاز حوزه دریای خزر و ایران منابع انرژی قابل قبول‌تری برای اتحادیه اروپا خواهد بود و ترکیه نیز از همین منظر و کاهش وابستگی خویش به گاز روسیه و همچنین منافع کلان مذکور در بالا بدنبال چانه‌زنی برای تحقق ناباکو است.

در روزهای پایانی اسفند ماه ۱۳۸۷ در کنفرانس نفتی اوپک در وین، ایگور سچین معاون نخست وزیر روسیه، به خبرنگاران اطلاع داد که روسیه و ایران درباره امکان حضور گاز پروم در بهره‌برداری از میدین گازی در ایران به توافق دست یافتند. این توافقات در دیدار سچین با غلامحسین نوذری، وزیر نفت ایران حاصل شده است. تلاش روسیه برای حضور در بازار انرژی ایران ناشی از نگرانی آن از تأثیرگذاری ایران در آینده بر بازارهای مصرف گاز روسیه در اروپا و سایر کشورها است. لازم به یادآوری است که روسیه، ایران و

قطر حدود ۶۰ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند لذا نحوه تعامل این سه کشور در آینده بازار گاز جهان و به ویژه در خصوص تامین گاز بلندمدت خط لوله ناباکو بسیار تاثیرگذار و تعیین کننده خواهد بود. مذاکرات بر سر تشکیل اوپک گازی نیز بیشتر تحت تاثیر تصمیمات این سه کشور قرار خواهد گرفت و منابع انرژی بعنوان ابزار قوی در دیپلماسی بین المللی برای پیشبرد منافع ملی به کار گرفته می‌شود.

۴) ایران

ایران به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی تامین انرژی اتحادیه اروپا مورد توجه بوده است. به نحوی که از ۱۸۰ تریلیون متر مکعب گاز اثبات شده جهان، ۲۷/۵ تریلیون متر مکعب (برابر با ۱۵/۳ درصد کل جهان) متعلق به ذخایر گاز ایران می‌باشد. (Ari Rusila, 2009) نزدیکی جغرافیایی و امکان استفاده از مسیر زمینی و دریایی برای انتقال انرژی به اروپا در کنار انبوه ذخایر نفت و گاز آن از جمله مزایایی است که در راستای تنوع بخشی به عرضه انرژی مورد توجه اروپایی‌ها می‌باشد. ایران نیز در راستای افزایش نقش خویش در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی بهره‌برداری از ذخایر انرژی خود را مورد توجه قرار داده است. توافق‌های اولیه با کشورهای مانند سوئیس، اتریش و ترکیه برای صادرات گاز از جمله اقدامات آغاز شده از سوی ایران می‌باشد. از سوی دیگر جذب تکنولوژی و سرمایه خارجی برای افزایش تولید انرژی و امکان صادرات از جمله علایق ایران در این حوزه است، هر چند معضلات سیاسی بین ایران و اتحادیه اروپا تاکنون امکان مشارکت عملی طرفین در عرضه انرژی ایران به اروپا را محدود ساخته است. علی‌رغم این مشکلات مقامات اروپایی در مناسبت‌های مختلف به ضرورت توجه به نقش ایران در تامین نیازهای انرژی اروپا اشاره می‌کنند اما آمریکا به عنوان کشوری که نگران افزایش نقش ایران در منطقه و جهان می‌باشد با اعمال تحریم‌های اقتصادی و تکنولوژیک و تهدید شرکت‌های اروپایی به تحریم در صورت سرمایه‌گذاری در ایران عملاً تلاش می‌کند مانع افزایش نقش ایران در تامین انرژی اروپا گردد. (Norline: 132-134, 2008)

معمایی که در خصوص ایفای نقش احتمالی ایران در آینده این پروژه وجود دارد این است که روسیه علی‌رغم مناسبات نسبتاً گسترده‌ای که با ایران دارد خواهان مشارکت ایران در پروژه ناباکو نیست و آن را رقیبی برای خود می‌داند. هم‌زمان آمریکا هرچند بر اهمیت ذخایر انرژی ایران واقف است و برای تضمین درازمدت عرضه گاز خط لوله ناباکو (باتوجه به

محدودیت ذخایر گاز حوزه دریای خزر) به دلایل صرفاً امنیتی و سیاسی با حضور ایران در این پروژه مخالفت می‌نماید. در وضعیت فعلی به نظر می‌رسد با توجه به معضلات پیش‌روی بازیگران اصلی در این پروژه، یعنی اتحادیه اروپا، آمریکا و روسیه، نقش آفرینی ایران در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد، هرچند الزامات طبیعی، فنی و اقتصادی در درازمدت امکان حضور ایران در این پروژه را محتمل می‌سازد. (UPI, 2009)

در همین راستا تقاضای انرژی کشور چین با اقتصاد در حال رشد، روز به روز افزایش می‌یابد و با توجه به همسایگی این کشور با آسیای مرکزی، قراردادهایی را با کشورهای قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان در جهت انتقال بخشی از ذخایر و منابع نفت و گاز این منطقه از طریق خطوط لوله به سوی چین به امضاء رسانده است. به عبارت دیگر چین نیز از جمله کشورهایی است که رقیب اتحادیه اروپا در دریافت انرژی از این منطقه است. تلاش‌های ایران برای ترانزیت انرژی حوزه دریای خزر به سوی ترکیه و اروپا از نظر چینی‌ها در مسیر مقابل منافع انرژی آنها قرار می‌گیرد. لذا آنچه که در پاراگراف‌های اخیر در خصوص نظر نامساعد روسیه و آمریکا برای نقش آفرینی ایران در حوزه انرژی آسیای مرکزی و قفقاز مورد اشاره قرار گرفته است در خصوص چین نیز مصداق دارد. زیرا افزایش همکاری ایران با اروپا در انتقال گاز حوزه دریای خزر به اروپا در نقطه مقابل علایق چین در این منطقه قرار دارد. نکته دیگری که در خصوص چین بایستی در نظر داشت ذخایر گاز ایران در جنوب که مورد توجه هم اروپا و هم چین برای تأمین انرژی قرار دارد، در صورت حضور سرمایه‌گذاران اروپایی در آن رقیبی جدی در مقابل چینی‌ها خواهد بود که قدرت چانه‌زنی ایران را در مقابل هر دو طرف افزایش خواهد داد. به همین جهت افزایش توان ایران برای سرمایه‌گذاری و صدور ذخایر گاز خویش هم به سوی شرق و هم به سوی غرب؛ چینی‌ها را از داشتن موقعیتی شبه مسلط در این حوزه‌ها محروم می‌نماید، بنابراین حضور ایران در پروژه ناباکو، نه تنها معادلات موجود در حوزه انرژی نسبت به چین، بلکه نسبت به اتحادیه اروپا، آمریکا و روسیه را نیز دگرگون خواهد کرد.

این تحولات و روندها با منافع ایران و موقعیت ژئواکونومیک آن نیز در ارتباط گسترده قرار دارد، البته آمریکا و اتحادیه اروپا نیز با توجه به تنش‌های موجود در روابط خود با ایران علاقه‌ای به عبور خطوط لوله نفت و گاز حوزه دریای خزر از ایران ندارند (Nuriyev, p. 9, 2007) و همچنین با توجه به موقعیت ترانزیتی گرجستان، تنش‌های موجود میان ایران، اتحادیه اروپا

و آمریکا باعث افزایش اهمیت گرجستان برای غرب شده است. پروژه خط لوله گازی ناباکو از تنش‌های ایران با غرب دور نمانده است. برخی از کشورهای مجری پروژه ناباکو خواهان تکیه صرف به گاز حوزه دریای خزر برای اجرای آن می‌باشند، اما برخی دیگر با توجه به حجم انبوه ذخایر گاز ایران هم زمان استفاده از گاز ایران و حوزه دریای خزر را برای تأمین گاز خط لوله ناباکو را مورد تأکید قرار می‌دهند. به هر حال ایران هم بعنوان دارنده ذخایر انرژی و هم با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خود می‌تواند نقش فعال‌تری در آینده بازار انرژی اروپا بازی کند و یکی از رقبای جدی گاز پرورم در اروپا باشد.^۱ در این راستا در تحویلی دیگر علاوه بر پنج شریک اولیه مجری طرح نابوکو، در چهارم فوریه ۲۰۰۸ طی مراسمی رسمی در وین با حضور پنج شریک اولیه و وزیر منابع طبیعی و انرژی ترکیه حلمی گولر^۲ شرکت گاز طبیعی آلمان نیز رسماً به طرح ناباکو پیوست که این تحول اهمیت این طرح را که تا اروپای غربی امتداد خواهد یافت را پیش از پیش افزایش می‌دهد. (Todays Zaman, 2008) در این پروژه، قطر خط لوله ۵۶ اینچ و ظرفیت نهایی ۳۱ میلیارد متر مکعب که پس از عبور از کشورهای ترانزیت کننده، ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش به بوم گاتن که یک ترمینال اصلی توزیع گاز است متصل خواهد شد و از این طریق گاز جاری در این خط لوله عملاً به اکثر بازارهای اروپایی خواهد رسید. قابل ملاحظه است که چند روز پس از این مراسم در دیدار روسای جمهور فرانسه و رومانی شرکت ملی فرانسه نیز علاقمندی خود را برای پیوستن به طرح مذکور ابراز داشته است. (Tehran Times, p. 3, 2008)

برخی از کارشناسان انرژی در جهان نیز معتقدند که بدون حضور ایران در خط لوله گازی ناباکو امکان تأمین گاز دراز مدت از کشورهای حوزه دریای خزر برای آن وجود ندارد و توجیه اقتصادی ۸ میلیارد دلاری سرمایه گذاری آن امکان پذیر نخواهد بود. آلبرت برساند پروفیسور دانشگاه کلمبیا در جریان میزگردی که توسط مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری آذربایجان در موضوع "اوضاع بازار جهانی انرژی و سیاست انرژی دولت جدید آمریکا" برگزار شده بود، گفت: حوزه‌های گازی بسیاری در ایران وجود دارد که می‌تواند برای

^۱ با توجه به اینکه قطر سومین دارنده ذخایر گاز جهان است و نیز با توجه به گسترش روابط دوستانه با کشورهای جنوبی خلیج فارس و مشترک بودن حوزه بزرگ گاز پارس جنوبی، حتی امکان انتقال گاز قطر به سوی اروپا از طریق ایران و به تبع افزایش جایگاه سیاسی ایران در میان کشورهای اروپایی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

^۲ Hilmi Guler

این منظور مورد استفاده قرار گیرند. اتحادیه اروپا امیدوار است که با ساخت خط لوله ناباکو وابستگی آن به صادرات گاز روسیه کمتر شود.

در واقع ایران با داشتن موقعیت جغرافیایی مناسب هم می‌تواند در بازار مصرفی شرق جهان (چین، هند، پاکستان و غیره) و هم در بازار مصرفی غرب جهان (اروپای غربی و حتی قاره آمریکا و غیره) هم از طریق احداث خطوط لوله و هم از طریق تولید و صادرات گاز مایع توسط کشتی‌های بزرگ حضور یابد و در تأمین منافع و امنیت ملی خویش از آن حداکثر بهره‌مندی را داشته باشد. اما شرط اولیه آن توجه به برآورد کردن الزامات سیاسی و امنیتی طرفین ذی‌نفع در این پروژه‌ها است و سپس جذب تکنولوژی پیشرفته و سرمایه‌گذاری‌های کلان داخلی و خارجی در حوزه‌های نفت و گاز ایران می‌باشد. به طوری که روزنامه زمان چاپ ترکیه در خصوص حضور محتمل ایران در آینده این پروژه نوشت: "به اعتقاد کارشناسان و تحلیل‌گران، هرچند ایران به دلیل تنش‌های سیاسی با آمریکا در مراسم امضا خط لوله ناباکو غایب بوده است ولی به نحو ضمنی از سوی امضا کنندگان پروژه گنجانده شده است زیرا در یکی از بندهای این قرارداد به جای استفاده از عبارت کشور عرضه‌کننده از واژه «نقطه ورود» استفاده شده است. بر اساس بخش هشتم بند دوم، نقاط آغاز این پروژه می‌تواند سه نقطه در مناطق مرزی جنوبی یا شرقی ترکیه باشد که این نقاط با مشورت و نظر کنسرسیوم ناباکو تعیین خواهند شد." (پول، ۱۳۸۸/۵/۱، ص ۹) با مد نظر قرار دادن این تحلیل و سخنرانی که اردوغان در مراسم امضا پروژه در خصوص ایران اظهار کرده بود، مجریان پروژه به طور ضمنی ورود ایران به این پروژه و علاقمندی خویش به آن را اظهار نموده‌اند. در واقع تأمین پیش شرط‌های سیاسی، فنی و اقتصادی ورود به پروژه خط لوله ناباکو می‌تواند هم برای ایران و هم برای اتحادیه اروپا به یک بازی برد برد تبدیل شود.

۵) ترکیه

انتخاب محل امضای موافقتنامه بین دولتی پروژه ناباکو، آنکارا تصادفی نبوده است. کشوری که از مسیر ۳۳۰۰ کیلومتر طول این خط لوله ۲۰۰۰ کیلومتر آن را در اختیار خواهد داشت. (Rianovosti, 2009) همچنین از پنج کشور مشارکت کننده در پروژه (ترکیه، اطریش، رومانی، مجارستان و بلغارستان) تنها ترکیه همسایه بلافاصل منطقه حوزه دریای خزر و کشورهای خاورمیانه است که به عنوان تأمین کننده گاز پروژه در نظر گرفته

شده‌اند. به عبارت دیگر ترکیه به عنوان حلقه واسط و ترانزیت‌کننده بین تولیدکنندگان گاز و مصرف‌کنندگان نقش ایفا می‌کند.

اهداف و علایق ترکیه را بطور عمده می‌توان در دو بخش، تأمین امنیت انرژی و بهره‌مندی از منافع اقتصادی ترانزیت انرژی خلاصه کرد. ترکیه با احداث خطوط لوله متنوع انتقال نفت و گاز از امکان چانه‌زنی موثری در مقابل عرضه‌کنندگان منابع نفت و گاز مانند روسیه، ایران، جمهوری آذربایجان، عراق و غیره برخوردار می‌گردد و امنیت انرژی خویش را با تنوع بخشی به منابع تأمین آن افزایش می‌دهد.

در رابطه با افزایش اهمیت استراتژیک ترکیه برای اتحادیه اروپا و هموارسازی مسیر عضویت کامل در آن، اژه‌من باغیش، مذاکره‌کننده ارشد ترکیه در مذاکرات با اتحادیه اروپا پس از امضای موافقتنامه ناباکو اظهار داشت که ترکیه حتی قبل از عضویت کامل در اتحادیه اروپا سودمندی خود را نصیب اتحادیه اروپا می‌کند. ترکیه با تبدیل کشور خود به گذرگاه انرژی به اروپا و نشان دادن خود به عنوان لنگرگاه ثبات در منطقه خواهان اثبات ضرورت عضویت کامل خویش در اتحادیه اروپا و افزایش اهمیت استراتژیک آن در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی است. (Today's Zaman, 2008) لازم به یادآوری است خطوط لوله نفت و گاز متعددی تاکنون از کشورهای همسایه به ترکیه احداث شده است که عبارتند از: خط لوله گازی جریان آبی از روسیه از طریق دریای سیاه، خطوط گازی باکو - تفلیس - ارزروم، خط لوله گازی ایران - ترکیه، خط لوله گازی بلغارستان به ترکیه از منبع روسیه، خط لوله نفت کرکوک - یوموتالیک، خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان و احداث پروژه ناباکو تحقق یکی دیگر از اهداف استراتژیک ترکیه را موجب خواهد شد. در همین راستا این کشور با ایران نیز توافق کرده است در حوزه گاز بزرگ پارس جنوبی ۱۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نماید و همچنین ایران و ترکیه توافق کرده‌اند خط لوله گازی دیگری از حوزه پارس جنوبی از طریق ترکیه، گاز ایران را به بازار گاز اروپا ارسال کند. علاوه بر این ترکیه با عراق، مصر و سوریه نیز به دنبال رایزنی است تا گاز آنها را نیز دریافت کند که همگی در راستای تأمین امنیت انرژی ملی و تبدیل ترکیه به بازیگری مهم در عرصه تأمین انرژی برای اروپا و حتی جهان است. تحقق کامل این پروژه‌های خطوط لوله، قدرت چانه‌زنی ترکیه در مقابل اتحادیه اروپا را افزایش خواهد داد ضمن اینکه درآمدهای ترانزیتی قابل توجهی را برای آن کشور به ارمغان خواهد آورد. به طوری که اردوغان هنگام امضای موافقتنامه ناباکو در آنکارا درها را به

روی ایران و روسیه نیز باز گذاشت و سعی کرد با اظهار اینکه آرزو می‌کنم با تأمین شرایط، گاز ایران نیز از طریق این پروژه به اروپا صادر شود و اینکه امیدوارم گاز روسیه را نیز از این مسیر به اروپا انتقال دهیم به نحوی ایران و روسیه را که هنوز به این پروژه به دلایل مختلف نپیوسته‌اند، ترغیب به همکاری با این مسیر نماید. لازم به توجه است که در مراسم امضای موافقتنامه بین دولتی ناباکو در آنکارا مقامات عالی رتبه ۲۲ کشور ذی‌نفع در این پروژه شرکت کرده بودند.

منابع تأمین کننده گاز ناباکو

در شرایط فعلی به غیر از ایران و روسیه که به دلایل مختلف ذکر شده به این پروژه نپیوسته‌اند، کشورهای آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان، عراق و مصر در مراحل اولیه و ثانویه به عنوان تأمین کنندگان گاز در نظر گرفته شده‌اند. اما هر کدام از این کشورها علاوه بر اینکه مشکلات و معضلات خاص خود را دارند بایستی به سرمایه‌گذاری‌های کلان بر روی حوزه‌های گاز خود اقدام نمایند.

در بین این کشورها، جمهوری آذربایجان بطور مشخص هم سرمایه‌گذاری و هم آمادگی خود را برای صادرات گاز از طریق ناباکو اعلام کرده‌است. البته در سفر ماه ژوئن ۲۰۰۹ دیمیتری مدودف رئیس جمهور روسیه به باکو، جمهوری آذربایجان توافق کرد که سالانه پانصد میلیون متر مکعب گاز به روسیه صادر کند که هر چند حجم قابل توجهی نیست ولی نشان دهنده نگرانی روسیه از کنترل منابع انرژی حوزه دریای خزر از سوی اتحادیه اروپا است.

با این حال جمهوری آذربایجان برای حل مهمترین بحران سیاست خارجی خود یعنی بحران قره‌باغ نیازمند توسعه مناسبات با اروپا و داشتن نقش مثبت در تأمین امنیت انرژی اروپا و جلب نظر اروپا برای حمایت از تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و فشار بر ارمنستان جهت خروج آن از سرزمین‌های متعلق به جمهوری آذربایجان در قره‌باغ و شهرستان‌های اطراف آن است. بنابراین هم به لحاظ اقتصادی و جذب تکنولوژی و سرمایه غربی و هم به لحاظ رعایت ملاحظات سیاسی و امنیتی، در مراسم امضای موافقتنامه ناباکو، فقط ناطق علی‌اف وزیر انرژی و نفت جمهوری آذربایجان حضور داشت. (Today's zaman 2009/8/2). در راستای توسعه مناسبات دوجانبه جمهوری آذربایجان و اتحادیه اروپا در نوامبر ۲۰۰۶ و با هدف استقرار و

تثبیت مشارکت در حوزه انرژی طرفین یادداشت تفاهمی را به امضاء رساندند. این یادداشت تفاهم نمایان‌گر قانون اساسی دوطرفه برای تقویت روابط انرژی اتحادیه اروپا با باکو است که همزمان به این کشور کمک می‌کند بخش انرژی داخلی خود را مدرنیزه، اصلاح و کارایی بیشتری به آن بخشد. افزایش استخراج منابع نفت و گاز به جمهوری آذربایجان اجازه داده است، رشد اقتصاد کلان موثری را در سال‌های گذشته بدست آورد، به طوری که تولید ناخالص داخلی آن در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ با ۲۶/۴٪ و ۳۶/۶٪ بر اساس اعلام صندوق بین‌المللی پول بالاترین رشد در جهان بوده است. ذخایر اثبات شده گاز جمهوری آذربایجان حدود ۱/۵ تریلیون متر مکعب برآورد می‌شود که مصرف داخلی آن سالانه دوازده تا ۱۴ میلیارد متر مکعب در سال است. بنابراین طبیعی است که جمهوری آذربایجان بدنبال بدست آوردن حداکثر سود از صادرات گاز خود که در سال ۲۰۰۷ شروع شده است، باشد. قیمت احتمالی صادرات گاز، خط مشی جمهوری آذربایجان در این خصوص را تعیین می‌کند. بنابراین علاقمندی جمهوری آذربایجان برای پیوستن به پروژه خط لوله گاز ناباکو جدی است که از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا نیز حمایت می‌شود.

همچنین جمهوری آذربایجان به دلیل نیاز به استفاده از خاک کشورهای همسایه به دنبال تداوم روابط همسایگی دوستانه با گرجستان است که سرزمین آن کشور اهمیت فزاینده‌ای برای باکو، جهت انتقال نفت و گاز خود به بازارهای غربی دارد و همیشه مورد تاکید جمهوری آذربایجان بوده است و همین‌طور ترکیه که در ترانزیت منابع هیدروکربنی این کشور در چارچوب گسترده‌تر که بطور سنتی دارای روابط خوبی با همدیگر می‌باشند و بر پایه فرهنگ و زبان مشترک خلاصه شده است، دارای اهمیت است. مناسبات جمهوری آذربایجان در سال‌های پیش رو با همسایگان خود در دریای خزر به ویژه ترکمنستان و قزاقستان، در راستای انتقال منابع انرژی این دو کشور از طریق جمهوری آذربایجان به اروپا و آمریکا پیگیری می‌شود و احداث زیرساخت‌هایی که این منابع را بتواند، انتقال دهد، مورد توجه سه کشور قرار گرفته است. (Huseynov: 66-67, 2009) در نهایت دولت آذربایجان تلاش می‌کند روابط خوب با ایران را حفظ کند. همکاری در حوزه‌های حمل و نقل، تجارت و مبادله انرژی اعم از نفت و گاز و نیاز جمهوری آذربایجان برای حمایت ایران از موضع این کشور در منازعه قره‌باغ، فاکتورهای ضروری هستند. جمهوری آذربایجان در فرایندی عمل‌گرایانه بدنبال بهره‌مندی از روابط خوب با ایران است. این استراتژی است که سیاست

خارجی جمهوری آذربایجان تحت شرایط جاری آن را پیگیری می‌کند که در سیاست خارجی روابط متعادل با قدرت های منطقه ای و فرامنطقه‌ای به عنوان استراتژی موازنه به اجرا گذاشته شده است.

ترکمنستان و قزاقستان برای جلوگیری از آسیب به روابط خود با روسیه علی‌رغم اظهار رضایت و موافقت با همکاری برای ارسال گاز خویش از طریق ناباکو، در سطح مقامات عالی رتبه در امضای موافقتنامه شرکت نکرده بودند؛ هر چند که قربان قلی بردی محمد اف رئیس جمهور ترکمنستان روز قبل از امضاء موافقتنامه بین دولتی ناباکو اعلام کرد که ترکمنستان ظرفیت صدور گاز از طریق ناباکو را دارد و در صورتی که خریداران ناباکو گاز ما را در مرز ترکمنستان بخرند آماده ارائه آن به این کشورها هستیم. ترکمنستان از ماه مارس ۲۰۰۹ (فروردین ماه ۱۳۸۸) بدنبال انفجار خط لوله صادرات گاز خویش در مرز روسیه، این انفجار را عمدی از سوی گاز پروم دانسته که جهت کاهش خرید گاز از ترکمنستان به دلیل بحران اقتصادی در اروپا و کاهش صادرات گاز روسیه به اروپا، آن کشور به دنبال بهانه تراشی جهت کاهش صادرات گاز ترکمنستان به روسیه است و این تحول موجب سردی روابط دو طرف گردید. بنابراین طبیعی است که کشورهای حوزه دریای خزر بدنبال تنوع بخشی به مسیرهای صادرات گاز خود به خارج باشند. لازم به یادآوری است که ترکمنستان قبلاً خط لوله گاز به ایران را افتتاح کرده‌است که اولین خط لوله‌ای است که از ترکمنستان به خارج از محدوده کشورهای شوروی سابق احداث شده است و گاز آن کشور را به ایران صادر می‌کند. پروژه ناباکو، مسیر جدیدی است که به ترکمنستان، قزاقستان و حتی ازبکستان امکان خواهد داد که گاز خویش را به قیمتی رقابتی‌تر خارج از کنترل روسیه به اروپا صادر کنند. هر چند کشورهای حوزه دریای خزر به دلیل روابط گسترده با روسیه همچنان به صادرات گاز به روسیه ادامه خواهند داد. اما با احداث خط لوله ناباکو در مقابل روسیه قدرت چانه‌زنی بیشتری بدست خواهند آورد (Cutler, 2009) و به همین جهت با احتیاط از پروژه ناباکو استقبال کرده‌اند.

مصر و عراق نیاز به سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی و اروپایی جهت توسعه میادین گازی خود دارند و بویژه عراق نیاز به ایجاد امنیت و ثبات و سپس سرمایه‌گذاری و تکنولوژی پیشرفته دارد تا بتواند ذخایر گازی خود را به کالایی استراتژیک و اقتصادی سودمند تبدیل کند. حضور نوری المالکی نخست وزیر عراق در آنکارا هنگام امضای

موافقتنامه نشانه اهمیتی است که عراق به نقش آفرینی خویش در عرصه انرژی اروپا در آینده قابل است و از سوی دیگر خواستار نمایش خروج عراق از بی‌ثباتی و انزوای تحمیل شده بر آن در اثر جنگ است.

به نظر می‌رسد پروژه نابوکو علی‌رغم موانع و چالش‌های موجود بر سر راه آن به دلیل منافع و علایق طرفین ذی‌نفع در این پروژه همچنان توجه کشورهای اصلی مجری پروژه را جهت اجرایی شدن آن جلب خواهد کرد. با توجه به این که این خط لوله تا نزدیکی مرز ایران احداث خواهد شد در آینده جهت بازاریابی گاز ایران فرصت مناسبی برای این کشور نیز ایجاد خواهد کرد به نحوی که اکثریت کشورهای درگیر در این پروژه در سطوحی متفاوت از آن بهره‌مند خواهند شد. لذا کاهش تنش‌های سیاسی و افزایش مناسبات مبتنی بر بازی با حاصل جمع مثبت اقدامی در جهت تضمین منافع ملی ایران و افزایش نقش و بازیگری ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود.

جمع بندی و نتیجه گیری

از زمان شروع مذاکرات پروژه ناباکو در سال ۲۰۰۴ تا جولای ۲۰۰۹ که از سوی کشورهای ذی‌نفع در آنکارا به امضا رسید، حدود پنج سال می‌گذرد. در این فرایند زمانی تحولات گوناگونی هم از سوی کشورهای تامین‌کننده گاز پروژه و هم از سوی ترانزیت‌کنندگان و مصرف‌کنندگان به وقوع پیوسته است. پروژه‌ای که کشورهای متعددی در آن درگیر هستند و منافع متفاوتی آنها را به هم پیوند داده و یا از هم جدا می‌کند، لذا هماهنگ کردن طیف‌های گوناگونی از منافع و علایق از سوی مجریان پروژه دستور کاری آسان نیست.

بنابراین چالش‌ها و موانع مهمی در راستای اجرایی شدن این پروژه وجود دارد که می‌توان مهم‌ترین آنها را به ترتیب زیر مورد اشاره قرار داد:

- هماهنگی منافع متفاوت اعضا، از آن جا که میزان سرمایه‌گذاری هر یک از اعضا و میزان سهم دریافتی گاز هر یک از مصرف‌کنندگان و همین‌طور عرضه‌کنندگان گاز هنوز نهایی نشده است، چانه‌زنی‌های بلندمدتی برای رسیدن به تفاهم صورت خواهد گرفت.
- بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ایران و ترکیه به عنوان بازیگران منطقه‌ای در این پروژه هر کدام خواهان افزایش ابزارها و توانایی‌های استراتژیک خویش در سیاست

منطقه‌ای و بین‌المللی بوده، به طوری که ترکیه به عنوان گذرگاه پروژه و ایران به عنوان دارنده ذخایر عظیم گاز از بازیگران مطرح این پروژه خواهند بود. روسیه و آمریکا به عنوان بازیگران فرامنطقه‌ای در این پروژه درگیر هستند. روسیه نگران کاهش نقش خویش در تامین انرژی بازار اروپا است و این پروژه را رقیبی برای پروژه‌های خطوط لوله گاز خویش به سوی اروپا می‌داند. در نقطه مقابل آمریکا از این پروژه حمایت می‌کند و آن را به عنوان عاملی در جهت تامین امنیت انرژی اروپا و کاستن از وابستگی اروپا به روسیه ارزیابی می‌کند اما هنوز در مورد نقش ایران در این پروژه مواضع دوپهلویی با توجه به نیاز پروژه به گاز ایران ابراز کرده است.

- اتحادیه اروپا، مصرف‌کننده نهایی و اصلی گاز این پروژه خواهد بود و به نظر می‌رسد منابع مالی سرمایه‌گذاری این پروژه نیز عمدتاً از سوی آن تامین خواهد شد. حضور حوزه مانوئل باروسو به عنوان کمیسر اتحادیه اروپا در مراسم امضا این پروژه و تاکید بر ضرورت اجرایی شدن آن نشان‌گر اهمیتی است که اتحادیه برای این پروژه قائل است تا بخشی از وابستگی خویش به گاز روسیه را کاهش دهد.

- ابعاد امنیتی و سیاسی پروژه و تامین امنیت خط لوله، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های عمده مجریان و کشورهای ذی‌نفع این مسئله است. تاکید اتحادیه اروپا و آمریکا بر حل مسالمت‌آمیز منازعات به بن بست رسیده در قفقاز مانند بحران‌های قره‌باغ، اوستیا جنوبی و آبخازیا بی‌ارتباط با تامین امنیت و ثبات در مسیر این خط لوله نیست.

با توجه به پیچیدگی و تنوع بازیگران درگیر در این پروژه و قدرت‌های عمده‌ای که به دنبال تحقق آن می‌باشند، علی‌رغم موانع و چالش‌های موجود به نظر می‌رسد هرچند با تاخیر نسبت به پیش‌بینی‌های اعلام شده این پروژه تحقق خواهد یافت. لذا فرایند زمانی اجرای پروژه فرصت مناسبی برای کشورهای عرضه‌کننده منابع گاز از جمله ایران می‌باشد که ضمن جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان و تکنولوژی پیشرفته و فراهم کردن شرایط سیاسی و امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی بتواند از منابع انرژی خویش به عنوان ابزاری دیپلماتیک برای تامین منافع ملی خویش بهره‌مند گردد.

منابع و ماخذ

۱. امینیان، اکبر، "گاهی به ساختار قدرت در نظام بین الملل در پرتو حمله روسیه"، معاونت روابط مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش راهبردی، شماره ۱۹۵.
 ۲. نژاد حسینیان، "محمد هادی (۱۳۸۸) وضعیت فعلی صنعت نفت"، چالش‌ها و راه کارهای آینده، روزنامه دنیای اقتصاد.
 ۳. حضور مخفیانه ایران در ناباکو؛ روزنامه پول؛ ۱۳۸۸/۵/۱.
- برای اطلاعات بیشتر در مورد خط لوله باکو - تفلیس - جیحان به سایت اداره اطلاعات انرژی رجوع نمائید:

<http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/caspian/exportIssues.html>

4. Ari Russia (2009), " EU's Big Choice – Nabucco or South Stream? ", <http://arirusia.blogactive.eu>.
5. Asbarez (2009), " Russia Offers Turkey a Role in Nabucco Rival South Stream ", <http://www.asbarez.com>.
6. Cutler, Robert (2009), " Nabucco Starts to Shape Up ", Asia Times, <http://www.atimes.com>.
7. Eurotopics, (2009), "A Breakthrough for Nabucco ", <http://www.eurotopics.net>.
8. Huseynov, Tabib (2009), " The EU and Azerbaijan: Destination Unclear ", Europe in Dialogue.
9. Javadov (2009), " U.S. , Russia and Lucrative Energy Market ", <http://www.press.tv.ir>.
10. Norline, Nicklas (2008), " The Nabucco Pipeline: Reemerging Momentum in Europe s Front Yard ", Europe s Energy Security.
11. Nuriyev, Elkhan (2007), " EU Policy in the South Caucasus A View from Azerbaijan ", Center for European Policy Studies.
12. Rianovosti (2009), " Nabucco, an American Peace for European Orchestra ", <http://en.rian.ru>.
13. Today s Zaman, (2008), " EU Coordinator Says Satisfied with Ankara Talks on Nabucco ", <http://www.todayszaman.com>.
14. Tehran Times (2008), " Seven Partner to Join Nabucco Project ".
15. Today s Zaman (2008), " German RWE Becoming Sixth Nabucco Partner ".
16. Today s Zaman (2009), " Nabucco guarantees stability in the south Caucasus ".
17. UPI, (2009), " U.S. Rules Out Iranian Role for Nabucco ", <http://www.upi.com>.
18. UPI, (2009), " Iran Has Possible Role in Nabucco ", <http://www.upi.com>.



پڙهه ښكاره علوم انساني او مطالعاتو فرېښتې
پرتال جامع علوم انساني